



عکس: امیرحسین زاراشکاف، ایران

مرتضی گلپور

.....
صحنه رقابت انتخابات ریاست جمهوری پیچیده و پیش بینی ناپذیر شده است اما به موازات پیچیدگی، رقابت جذاب و تماشایی نیز هست. در این میان، کنشگران میدان رقابت تاکنون رفتارهایی از خود بسروز داده اند که دقت در آنها می تواند تصویر روشن تری از صحنه و جایگاه و برنامه بازیگران ارائه دهد. در گفت و گو با علی کریمی مله، استاد علوم سیاسی دانشگاه مازندران، تلاش شده تصویری از صحنه رقابت ارائه شود؛ اینکه کنشگران اصلی تاکنون چه کرده اند و براساس آن می توان چه برداشتی از بازی‌های آینده آنان داشت. دکتر کریمی مله معتقد است اصولگرایان در نهایت به حملات گازانبری علیه روحانی روی آورده و تلاش می کنند مشکلات معیشتی را برجسته کنند. در مقابل، تأکید دارد که کلدیوازه «روحانی دو» امنیت خواهد بود. این گفت‌وگو را به پیش از اعلام نتیجه بررسی صلاحیت‌ها انجام شد می خوانید.

■ **در گفت‌وگوی شخصی ماشمامعتقد بودید انتخابات این دوره دشوار است، اما صحنه انتخابات به سمت دوقطبی شدن پیش می‌رود ناظران معتقدند که در شرایط دوقطبی، برنده رقابت نامزد اصلاح طلب و اعدالگرا خواهد بود. در چنین زمینه‌ای، وقتی از دشواری انتخابات می‌گویید، مقصود چیست؟**

منظور پیچیدگی های تازه محیط رقابت

سیاسی ایران است زیرا هجمه‌ها و تبلیغات بسیار سازمان یافته و هدفمندی علیه دولت صورت گرفته است. از آغاز به کار دولت یازدهم در سال ۹۲، بار سنگین روانی روی ذهنیت جامعه فروریخته شده که آقای روحانی رئیس جمهوری تکت دوره‌ای است. به علاوه جریان اصولگرا براساس ارزیابی و برآوردی که به زعم خود از افکار عمومی ابراز می‌کند، به یک جابه‌جایی گفتمانی روی آورده و اولویت‌ها را از مسائل سیاسی – ایدئولوژیک و امنیتی به رقابت شدند و کارآمدی و سیاستی سوق داده است. چنین به نظر می‌رسد که اصولگرایان با افراد متکثر در ذیل گفتمانی واحد و برمبنای یک تقسیم کار پیشینی وارد رقابت شدند و در صددند آقای روحانی را به عنوان دولت مستقر برای پاسخگویی در تنگنا قرار دهند، نکته دیگری این است که اصلاح طلبان هم به دلایل مختلف امکان یک حضور مستقل، هویت مند و مشخص آن را ندارند. درعین حال، به هم پیوستگی محیط بیرونی یا محیط داخلی نیز انتخابات این دوره را قدری سخت کرده است. به این معنی که برجام و ملتقات آن که می‌توانست به مثابه دستاورد برجسته آقای روحانی در نقش برگی برنده و اثربخش در انتخابات ظاهر شود، هم از سوی منتقدان و مخالفان داخلی و هم بازیگران تندروی بیرونی تحت فشار قرار گرفته است. به علاوه اینکه تصویری که از مرزبینی بین کنشگران جریان‌های سیاسی اصلاح طلب واصلوگرا تاکنون وجود داشت، دستخوش تغییرات

درون اصولگرایان اتفاق نیفتاده است، در این صورت منظور شما از این جابه‌جایی گفتمانی چیست؟

منظورم از جابه‌جایی یا شیفت گفتمانی لزوماً به معنای توانایی زایش گفتمانی نیست. بنا به گواهی تجربه زیسته سیاسی و حکمیتی، ظرفیت زایش گفتمانی آنان در قیاس با اصلاح طلبان معتقدم با وجود برخورداری‌های فراوان تحول اجتماعی – فرهنگی با سرعتی بیش از قدرت سازگاری اصولگرایان سنتی در حال پیشروی است. بنابراین مقصود از جابه‌جایی گفتمانی، تغییر فاز آنان از تأکید بر ارزش‌های سیاسی – ایدئولوژیک، آرمان گرایی، تکیه بر شعرا‌های انقلابی و ارزش مداری به سمت توجه به موضوع کارآمدی سیاسی و گذار هدفمند و پرحجم آنان به فضای مجازی که تاکنون در انحصار اصلاح طلبان بوده و نیز استفاده آنان از تاکتیک‌های روزآمدتر است. به‌عنوان مثال، تلاش اصولگرایان برای دستیابی به اجماع، تاکنون سابقه نداشته و نوعی تصویربرداری از عملکرد اصلاح طلبان در سال ۹۲ است. همچنین به نظر می‌رسد اصولگرایان طی تجزیه و تحلیل آسیب شناسانه درون جناحی بدین جمع‌بندی رسیدند که علت تقووق گفتمانی جریان اصلاحات در رقابت‌های گذشته، سیطره بی‌رقبب آنان بر فضای مجازی بوده است، در نتیجه با ورود به این محیط کوشیدند این فضای بی‌رقیب را به میدانی رقابتی تبدیل کنند و برخلاف ادوار گذشته و با استفاده از حمایت‌های جانبی که از آن برخوردارند، برسریع سازماندهی سازمان رای خود از طریق فضای مجازی روی آوردند. نکته مهم‌تر اینکه در رقابت‌های فضای سیاسی – ایدئولوژیک همچون ارزش گرایی، انقلابی‌گری و تعهدات مکتبی خود می‌گردند. اما این بار با رویکرد ترکیبی وارد میدان رقابت شده‌اند. چنانکه از ادبیات سیاسی آنان پیداست که هرچند بروجه سیاسی – ایدئولوژیک نامزدها و برنامه‌های خود مانند ارزشی، انقلابی‌گری و جهادی بودن تأکید می‌کنند، اما کانون توجه خویش را بر مسائل سیاسی متمرکز کردند و جنبه کارآمدی نظیر استقرار هدف گرفتند. طرح مسأله دولت اشتغال، بیکاری و رکود، نشان دهنده حرکت گفتمانی از حوزه سیاسی – ایدئولوژیک به حوزه سیاستی و کارآمدی است. البته این جابه‌جایی گفتمانی، در درآمدت می‌تواند

امری مطلوب قلمداد شود زیرا جریان‌های سیاسی باید در رقابت‌های ملی، رقابت‌ها را به حوزه‌های سیاسی، کارآمدی‌ها و برنامه‌ها سوق بدهند تا اینکه رقابت بر مختصات و شناسه‌های افراد استوار شود. ■ **هم رویکردهای سیاسی، یعنی توجه به محورمان و اشتغال و هم رویکردهای ایدئولوژیک، در ۸ سال دولت احمدی‌نژاد تجربه شده است. آیا می‌توان تجربه دولت‌های نهم و دهم را از اصولگرایی تفکیک کرد و آیا مردم این تفکیک را می‌پذیرند؟**

از موضع اخلاقی، معتقدم اصولگرایان بازی سیاسی اخلاقی را دنبال نمی‌کنند، چون به جای مسئولیت‌پذیری متعهدانه و شجاعانه نسبت به عملکرد خود در ۸ سال دولت‌های نهم و دهم و حتی در همه سال‌های پس از ۷۶ که بخش مهمی از نهادهای حکمیتی و اجرایی منحصرأ در اختیار آن بوده است، از پاسخگویی طفره می‌روند. به همین دلیل بر موضوع ناکارآمدی نزدیک، یعنی آنچه اکنون جامعه با آن مواجه است، متمرکز کرده‌اند. ناکارآمدی موضوعی انکارنشدنی است که البته محصول یک فرآیند درآمدت است و اتفاقاً سهم اصولگرایان در ایجاد آن به مراتب از دولت اعتدال و اصلاحات بیشتر است. اینکه اصولگرایان با برجسته کردن ناکارآمدی‌های کنونی، از پذیرش مسئولیت خود در دولت‌های نهم و دهم و حتی ما قبل آن، شانه خالی می‌کنند، نوعی بازی سیاسی غیراخلاقی و فریب افکار عمومی است که می‌کوشد افکار عمومی را نسبت به مطالبه مسئولیت از آنان در قبال سال‌های گذشته منحرف کند. آنان غیرصادقانه تلاش می‌کنند روحانی را نماینده حفظ وضع موجود و خود را مدافع تغییر معرفی کنند. در حالی که بهتر است آنان شفاف و صادق باشند و مسئولیت اخلاقی و سیاسی خود را در خلق این وضعیت بپذیرند.

اصولگرایان عمدتأ تکلیفی – اعتقادی رای می‌دهند، احمدی‌نژاد چندان از سبب آرای آنان نخواهد کاست. بنابراین ضرر حضور جریان احمدی‌نژاد را برای ائتلاف اعتدال و اصلاحات بیشتر از جریان اصولگرایی می‌دانم و با این تحلیل آنهایی که حضور احمدی‌نژاد را به نفع ائتلاف اصلاحات و اعتدال می‌دانند، موافق نیستم. ■ **گفتید که اگر فضا دوقطبی شود، اما برخی معتقدند که با آمدن رئیسی فضا دوقطبی شده است. دیگر اینکه گفتید احمدی‌نژاد تلاش می‌کند آرای خاکستری را به سمت خود جلب کند، در حالی که آرای خاکستری عمدتأ از قشر تحصیلکرده و طبقه متوسط هستند، در حالی که احمدی‌نژاد شعارهای پوپولیستی و نوده‌وامی دهد.**

طبق تحلیل طیف احمدی‌نژاد، اکثریت مردم تعلقی به هیچ یک از جریان‌های سیاسی موجود ندارند و تنها خواهان فردی از جنس خود هستند که با این توده‌ها حرف بزند، مانند توده‌ها رفتار کند و درد و غم آنان را چشیده باشد. طبق این تحلیل، آن فرد متعین در شخص احمدی‌نژاد یا فردی که او را نمایندگی می‌کند، است. بنابراین مخاطب اصلی این جریان، قشری است که تعهد از پیش ساخت یافته‌ای نسبت به جریان‌های سیاسی ندارد. همان توده‌های مردم که احمدی‌نژاد را از جنس خود یافته و به او در دولت‌های نهم و دهم اقبال کردند. اما بخشی از آرا هم مورد توجه این جریان واقع شده که یا شرکت در انتخابات را نافع نمی‌دانند یا چرچران شریعت‌سیاسی هستند و لذا در اقدامات شرکت نمی‌کنند. طیف احمدی‌نژاد معتقد است که این توانایی را دارند که آرای مبتلایان به چران شریعت‌سیاسی را هم جذب کنند و در نتیجه اکثریت قابل توجهی از مجذوفان، مطرودان و محرومان را به دنبال خود بکشانند. البته ارزیابی جریان احمدی‌نژاد، با شواهد تجربی سازگار نیست.

اصولگرایان عمدتأ تکلیفی – اعتقادی رای می‌دهند، احمدی‌نژاد چندان از سبب آرای آنان نخواهد کاست. بنابراین ضرر حضور جریان احمدی‌نژاد را برای ائتلاف اعتدال و اصلاحات بیشتر از جریان اصولگرایی می‌دانم و با این تحلیل آنهایی که حضور احمدی‌نژاد را به نفع ائتلاف اصلاحات و اعتدال می‌دانند، موافق نیستم. ■ **گفتید که اگر فضا دوقطبی شود، اما برخی معتقدند که با آمدن رئیسی فضا دوقطبی شده است. دیگر اینکه گفتید احمدی‌نژاد تلاش می‌کند آرای خاکستری را به سمت خود جلب کند، در حالی که آرای خاکستری عمدتأ از قشر تحصیلکرده و طبقه متوسط هستند، در حالی که احمدی‌نژاد شعارهای پوپولیستی و نوده‌وامی دهد.**

طبق تحلیل طیف احمدی‌نژاد، اکثریت مردم تعلقی به هیچ یک از جریان‌های سیاسی موجود ندارند و تنها خواهان فردی از جنس خود هستند که با این توده‌ها حرف بزند، مانند توده‌ها رفتار کند و درد و غم آنان را چشیده باشد. طبق این تحلیل، آن فرد متعین در شخص احمدی‌نژاد یا فردی که او را نمایندگی می‌کند، است. بنابراین مخاطب اصلی این جریان، قشری است که تعهد از پیش ساخت یافته‌ای نسبت به جریان‌های سیاسی ندارد. همان توده‌های مردم که احمدی‌نژاد را از جنس خود یافته و به او در دولت‌های نهم و دهم اقبال کردند. اما بخشی از آرا هم مورد توجه این جریان واقع شده که یا شرکت در انتخابات را نافع نمی‌دانند یا چرچران شریعت‌سیاسی هستند و لذا در اقدامات شرکت نمی‌کنند. طیف احمدی‌نژاد معتقد است که این توانایی را دارند که آرای مبتلایان به چران شریعت‌سیاسی را هم جذب کنند و در نتیجه اکثریت قابل توجهی از مجذوفان، مطرودان و محرومان را به دنبال خود بکشانند. البته ارزیابی جریان احمدی‌نژاد، با شواهد تجربی سازگار نیست.

ثبت رکورد‌های منفی بی‌سابقه از آن دولت برای مردم به ارمغان آورده شد. بنابراین به طور نسبی، آن نماینده‌ای از یک گفتمان که دست‌یالات را در رقابت‌ها خواهد داشت، هنوز نماینده ائتلاف اصلاحات و اعتدال است.

■ **این دست بالا، ناشی از قوت شخصی نامزد این جریان هاست یا کارنامه؟**
روحانی به دلیل کارنامه قابل قبول که در برخی حوزه‌ها داشته است؛ مانند حل و فصل مسأله هسته‌ای در قالب برجام، رساندن جامعه به آرامش اقتصادی، توقف نرخ تورم، خروج تدریجی رشد اقتصادی از نرخ منفی به سمت مثبت، ارتقای سرمایه اجتماعی، بهبود شاخص‌های حکمرانی شایسته در برخی زمینه‌ها، اتخاذ سیاست خارجی تعامل گریانه و غیره دست برتر را خواهد یافت. ضمن اینکه فراموش نشود روحانی در دولت اول خود خرابی‌های ب ارث مانده از گذشته را آواربرداری سپس برای دولت بعدی ریل‌گذاری کرد. البته در این میان، نباید عنصر بسیار تعیین‌کننده دیگر یعنی محیط بیرونی را از نظر دور داشت. از قضا به نظر می‌رسید پس از روی کار آمدن ترامپ، اصولگرایان به تحولات محیط بیرونی بسیار دل بستند تا با اتخاذ سیاست نهاجمی به ضرر جریان اعتدال عمل کرده و عقلا‌نیت تدریجی موجود در برجام را به محاق ببرد. اصولگرایان خوشحال شدند که با روی کار آمدن ترامپ و بلائثر کردن برجام، روحانی را در رقابت‌های انتخاباتی خلع سلاح کنند و بزرگ‌ترین دستاورد روحانی در انتخابات به ضد او تبدیل شود. اما به عقیده من، جامعه هنوز خطر تندروی، مواجهه جویی، تنش آفرینی و هزینه‌های مرتب بر آن را ندانیک

گذاشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است ■ **آقای روحانی جزء به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است**
آقای روحانی جزء به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است

آقای روحانی جزء به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است

رقابت‌های انتخاباتی در گفت‌وگو با دکتر علی کریمی مله استاد علوم سیاسی

انتخابات ۹۶ دوقطبی گفتمانی است

در فضای دو قطبی گرایش آرای خاکستری به ائتلاف اصلاحات و اعتدال بیشتر می‌شود

■ **بنابراین، علاوه بر اصولگرایان، روحانی رقیب دیگری به نام روحانی نیز دارد.**
می‌توان گفت روحانی در یک ظرف سیال و مشروطی به سر می‌برد که هم قابلیت افزوده شدن به سبب آرای او وهم کسر شدن از سبب او را دارد. ناگفته نماند که روحانی در شرایط فعلی در مقایسه با رقبای خود از وضعیت به مراتب بهتری برخوردار است. در عین حال اگر او بتواند از شرایط برشمرده شده استفاده کند و ناگفته‌های بسیاری که منطقا دارد را برای جامعه توضیح دهد، برنده انتخابات خواهد بود.

■ **به نظر می‌رسد اصولگرایان با خلق برخی کلید واژه‌ها و تکرار آن‌ها، توانسته‌اند در ترسیم زمین بازی تعیین‌کننده باشند. آنان تعیین می‌کنند که در باره چه چیزهایی بحث شود و طرف مقابل نیز پاسخ می‌دهد. فکر نمی‌کنید اصلاح طلبان یا اعتدالی‌ها قدری منفعل شده‌اند. برای برون‌رفت از این انفعال چه باید کرد؟**

اشتباه است که روحانی را از زاویه اصلاح طلبی به داوری بنشینیم، او را باید از زاویه اعتدال گرایی نگریست. معتقدم «روحانی یک» کلدیوازه‌هایی را مطرح کرد که برای جامعه قابل فهم و جذاب بوده و به همین دلیل به اقبال نشان داد. «تدبیر» به معنی برهیز از رفتارهای ناستجیده، مستبدانه و غیرکارشناسانه؛ «امید» به معنی افزایش شانس بقا و کاهش ریسک مردم در محیط نابسامان منطقه‌ای و بین‌المللی از کلیدی‌ترین مضامین دولت یازدهم بود. اکنون سؤال این است که کلدیوازه «روحانی دو» چه هست و چه باید باشد؟ «روحانی دو» یک تحلیلمگر، معتقدم «روحانی دو» نه می‌تواند کاملاً متفاوت و بیگانه از «روحانی یک» ونه می‌تواند تکرار کامل آن باشد. بلکه باید حد فاصلی میان این دو باشد تا بتواند همچنان گفتمان اعتدال «روحانی یک» را تداوم ببخشد و در عین حال حامل ابداعات، نوآوری‌ها و موضوعات جدیدی

<p>«</p>	<p>■ اکنون نسل جوان نسبتاً آگاهی برخاسته است که به مراجع خبری و رسانه‌های متنوع دسترسی دارد و لزوماً چشم و گوش خود را به صدا و سیما و رسانه رسمی سپرده است</p> <p>■ اصولگرایان بنا دارند حملات «گازانبری» پر دامنه‌ای را علیه آقای روحانی سازماندهی کنند</p> <p>■ آقای روحانی جزء به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است</p> <p>■ تهدیدات ترامپ بسیار غیرحساب گریانه و تندروتر از تهدیدات دموکرات هاست که از قضا به آن پشتوانه عملی هم بخشیده است. بنا براین با وجود تغییر و تحریف دستور کار رقابت از سوی اصولگرایان، به نظر می‌رسد مسأله امنیت و تهدید همچنان یکی از مسائل مهم رقابت دوازدهم خواهد بود</p>	<p>»</p>
----------	--	----------

نیم نگاه

<p>«</p>	<p>■ به باور من اصولگرایان بنا دارند حملات «گازانبری» پر دامنه‌ای را علیه آقای روحانی سازماندهی کنند. لذا توتوع و تکرری که در قالب جبهه مردمی انقلاب اسلامی دیده می‌شود یا اصولگرایی‌ها که به صورت مستقل وارد خواهند شد، بخشی از شرکت‌کنندگان در جبهه حمله علیه آقای روحانی هستند و هر کدام برای پیشبرد اهداف این جبهه، وظیفه‌ای برعهده دارند. البته اینکه چه قدر می‌توانند روحانی را به گوشه‌ریختن بیاورند، مسئله است و مستند و مستدل ظاهر شدن، حاضر جواب بودن، مهارت در ذهن گردانی و برخورداری از مهارت‌های ارتباطی، قوت شخصی نامزدهای انتخاباتی، میزان توان حضور در رقابت‌ها به سوالات و انتقادات، در روی سوبی مطرح می‌شود، در سمت دهی به آرای خاکستری بسیار تعیین‌کننده است. در نگاه اولیه، اگر نامزدها همین‌ها باشند، دومین عامل مؤثر، فزود قدرتی است که نامزدهای انتخاباتی روی شناسایی مسائل مهم متبایله جامعه و نحوه مواجهه با آنها در قالب برنامه‌های انتخاباتی ارانه می‌دهند. به نظر می‌رسد در این زمینه هر دو طیف اصولگرایان سنتی و مردم‌انگیزان دچار لکنت زبان هستند. احمدی‌نژاد به دلیل تجربه‌نا موفق بافصل دولت‌های نهم و دهم و اصولگرایان هم به دلیل شرکت در ناکارآمدی‌های موجود، نمی‌توانند خود را از انظار آرای مردمی جامعه میرزا از مسئولیت بدانند. زیرا با در اختیار داشتن تمامی نهادهای تقنینی، تبلیغی، رسانه‌ای، نظارتی و اجرایی، کارنامه‌ای با</p>	<p>»</p>
----------	--	----------

مجدد به سوی نماینده اعتدال، میانه روی و عقلا‌نیت را بیش از پیش احساس کند. به همین دلیل است که اصولگرایان با سرپوش گذاشتن بر صورت مسأله طی ماه‌های اخیر از شدت تبلیغ علیه برجام کاسته‌اند تا ذهن جامعه به سوی مسائل امنیتی و خطر جنگ و تهدید خارجی سوق پیدا نکند.

■ **بامختصاتی کمترسیم‌کرید، انتخابات دو قطبی شده است یا خیر؟**
اگر مراد از دو قطبی شدن به معنای رویارویی دو فرقد باشد خیر اما اگر دوقطبی شدن به معنای رویارویی دو گفتمان باشد، یعنی گفتمانی که عقلا‌نیت، تدبیر و میانه روی و تعامل با جهان را نمایندگی می‌کند یا گفتمانی که با وجوه مختلف خود تندروی و رادیکالیسم را نمایندگی کند، می‌توان گفت فضای دو قطبی شکل می‌گیرد. رویارویی اصلی میان تندروی و میانه روی است.

■ **این دوقطبی شکل گرفته‌است؟**
گذشت زمان وضوح این امر را بیشتر خواهد کرد.

■ **در این صورت آرای خاکستری به نفع جریان اعتدال وارد انتخابات خواهند شد؟**
این امر مشروط به این است که روحانی به‌عنوان نماینده ائتلاف اعتدال و اصلاحات بتواند از برخی کارت‌هایی که تاکنون استفاده نکرده و همین باعث شد آرای خاکستری در فضای ابهام و تردید قرار بگیرند، به نحو معقول و مطلوب و چپ‌نگار استفاده کند.

■ **این کارت‌ها چیست؟**
آقای روحانی جز به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به آن عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است. اگر در این زمینه روحانی توانایی توضیحی – تبیینی کافی نشان دهد و در فضایی غیرافشاگرانه، برای مردم واشکافی کند که علت بسیاری از نابسامانی‌هایی که هنوز سر دوش جامعه سنگینی می‌کند، چه سیاست‌ها و چه رویکردهایی بوده‌است، یا از خود بدرستی رفع اتهام کند، می‌توان امیدوار بود که آرای خاکستری به میدان بیایند. به این دلیل بر رفع اتهام تأکید می‌کنم که دولت روحانی در برخی زمینه‌ها همچون اشرافی‌گری، فرسودگی حقوق‌های نجومی و تقلیل گرایی در سیاست خارجی متهم است. اگر روحانی در این حوزه‌ها بتواند توانایی تبیینی خود را به‌کار بگیرد و در مناظره‌ها، نشست‌ها و ارتباط با توده‌های مردم، از کارت‌های رقابت سیاسی، هوشمندانه و عقلا‌نی استفاده کند که به نظر من این توانایی را دارد، می‌تواند آرای خاکستری را به نفع خود سوهی کند.

هم باشد. بنابراین باید اندکی منتظر ماند تا «روحانی دو» رونمایی شود. ولی با شناختی که از ادبیات آقای روحانی دارم، فکر می‌کنم تعامل سازنده با دنیا که می‌تواند دنباله برجام در حوزه روابط خارجی ایران باشد، همچنان در زمره کلدیوازه‌های ایشان قرار خواهد داشت. به علاوه آقای روحانی در موضوعاتی مانند زیست روزمره ایرانیان و بهزیستی آنان، برخورداری آنان از رفاه بیشتر و کارآمدتر کردن دولت، تحقق حقوق آزادی‌های شهروندی، آن‌گونه که درمنشور حقوق شهروندی آمده، برجستگی‌های نظری بگیریم، فکر می‌کنم آقای روحانی، با توجه به رویکرد و سابقه‌های مثبتی خود، موضوع امنیت ملی ایران را با در تعامل سازنده با دنیا و امنیت مردم را از طریق کارآمدتر کردن دولت و برخوردارتر شدن مردم از حقوق شهروندی، رونمایی کند.

■ **اشاره کردید که ممکن است روحانی برجام را اکلیدواژه انتخاباتی خود مطرح کند.**

■ **شاید به همین دلیل باشد که رقیب برجام را بر برنامه‌های تحریری خود کنار گذاشته است و روی نقاط دیگری تکیه کرده‌است.**

طبق تحلیل اصولگرایان، هرچه بر حوزه سیاست و امنیت بویژه امنیت خارجی، تأکید شود، این امر به منزله دادن پاس گل به روحانی، واگذار کردن زمین بازی معقول و مطلوب و چپ‌نگار استفاده کند. ■ **این کارت‌ها چیست؟**
آقای روحانی جز به صورت گذرا، اشاره وار و محدود تاکنون جامعه را نسبت به آن عمق خرابی‌هایی که از گذشته به ارث برده، و جوه مختلف نابسامانی‌ها و دلایل، مکانیسم‌ها و پیامدهای به وجود آمدن آنها را آگاه نکرده است. اگر در این زمینه روحانی توانایی توضیحی – تبیینی کافی نشان دهد و در فضایی غیرافشاگرانه، برای مردم واشکافی کند که علت بسیاری از نابسامانی‌هایی که هنوز سر دوش جامعه سنگینی می‌کند، چه سیاست‌ها و چه رویکردهایی بوده‌است، یا از خود بدرستی رفع اتهام کند، می‌توان امیدوار بود که آرای خاکستری به میدان بیایند. به این دلیل بر رفع اتهام تأکید می‌کنم که دولت روحانی در برخی زمینه‌ها همچون اشرافی‌گری، فرسودگی حقوق‌های نجومی و تقلیل گرایی در سیاست خارجی متهم است. اگر روحانی در این حوزه‌ها بتواند توانایی تبیینی خود را به‌کار بگیرد و در مناظره‌ها، نشست‌ها و ارتباط با توده‌های مردم، از کارت‌های رقابت سیاسی، هوشمندانه و عقلا‌نی استفاده کند که به نظر من این توانایی را دارد، می‌تواند آرای خاکستری را به نفع خود سوهی کند.

هم باشد. بنابراین باید اندکی منتظر ماند تا «روحانی دو» رونمایی شود. ولی با شناختی که از ادبیات آقای روحانی دارم، فکر می‌کنم تعامل سازنده با دنیا که می‌تواند دنباله برجام در حوزه روابط خارجی ایران باشد، همچنان در زمره کلدیوازه‌های ایشان قرار خواهد داشت. به علاوه آقای روحانی در موضوعاتی مانند زیست روزمره ایرانیان و بهزیستی آنان، برخورداری آنان از رفاه بیشتر و کارآمدتر کردن دولت، تحقق حقوق آزادی‌های شهروندی، آن‌گونه که درمنشور حقوق شهروندی آمده، برجستگی‌های نظری بگیریم، فکر می‌کنم آقای روحانی، با توجه به رویکرد و سابقه‌های مثبتی خود، موضوع امنیت ملی ایران را با در تعامل سازنده با دنیا و امنیت مردم را از طریق کارآمدتر کردن دولت و برخوردارتر شدن مردم از حقوق شهروندی، رونمایی کند.